دو احتمال در فقره‌ی «لیس بینه و بین معلومه علمٌ غیرُه» و «علمُ غیرِه»

در حال بحث از صفحه هفتاد و سوم بودیم. در این جمله‌ای که خواندیم، نسخه‌ی کافی شریف، اضافه‌ای داشت. حضرت علیه السلام فرمودند:

> «وعلمها ال بأداة ـ ال يكون العلم إلا بها ـ وليس بينه وبين معلومه علم غيره ، إن قيل كان فعلى تأويل أزلية الوجودوإن قيل : لم يزل فعلى تأويل نفي العدم»[1].

«**و لیس بینه وبین معلومه علم غیره**»؛ «علم غیره» را به‌صورت توصیف خواندیم. توحید صدوق، شروح زیادی ندارد، اما روایتی که در اینجا باشد و در کافی هم باشد، شروح زیادی دارد. چون شروح کافی، بیشتر است. این خطبهٔ الوسیله بود که در جلد هشتم، روضه‌ی کافی، به‌طور مفصل آمده بود. لذا مرحوم مجلسی در مرآة، خطبه را توضیح می‌دهند. ایشان می‌فرمایند: محتمل است «علمُ غیرِه» هم بخوانیم. «لیس بینه و بین معلومه علمُ غیره»؛ یعنی معلم ندارد. یک علم دیگری بین خداوند و بین او، فاصله نیست. این هم احتمالی بود که ایشان در مرآة فرموده بودند. نوع شراح کافی – مرحوم میرداماد و ملاصالح - را مروری کردم، در «علمٌ غیرُه»، «غیره» را به ذات زده بودند. یعنی «علمٌ غیر اللّه». اینطور به ذهن‌شان آمده است که «لیس بینه و بین معلومه علمٌ غیر اللّه»، یعنی غیر ذاته. این هم شروحی که در اینجا بود.

---

[1]. شیخ صدوق، التّوحید، ج 1، ص ۷۳.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 14:34:28 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 فوریه 2024 13:38:18 توسط ... .